

## Journal of Heroic Literature

Print ISSN: 2783-0675 Online ISSN: 2783-0683

<https://heroic.lu.ac.ir>

Vol. 2, No. 2, Issue: 3, Autumn & Winter 2024

### The research about epic of Mahabharata

Ardeshir Monazzami<sup>1</sup>

1- Assistant Professor of Religions, Lorestan University. am14noor@yahoo.com

#### Article Info

**Article Type:**  
Original Article

Received: 2024/06/27  
Revised: 2024/08/01  
Accepted: 2024/09/04  
Published: 2024/10/22

**Keyword:**  
Mahabharata,  
Epic,  
Battle,  
Gods,  
Religion,  
Morality.

#### Abstract

This paper attempts to indicate basis of Mahabharata through religious studies by analytical and descriptive method. Certainly identification of such issue requires analytical consideration of epic and also introduces the situation of Mahabharata. That is the greatest epic of Hindus. This text like other ancient epics indicates the obvious battle as an epic and bravery will discover and prove the fact. Although epic has violent aspect that is clear it has a hidden aspect. The great force that has bravery is ready to defence and make a certain fact and finally they gain purification of soul and makes the others better. In this battle derine forces will helps good and angels and basically metaphysics in a sacred and practical conduct (spitual journey) turn against the evil and tries to acces the valuable and sacred goal. So we can say that epic is the story of people who wants to acces the morality and holiness and Mahabharata is areport of a battlle "good and evil" a battle between good human being and gods and demons and human beings who has bad morality according to Hinduism idology.

**Cite this article:** Monazami, A. (2024). The research about epic of Mahabharata. *Journal of Heroic Literature*, 2(2), 175-188.

doi: <http://doi.org/10.22034/heroic.2024.2.3.12>

© The Author(s)

**Publisher:** Lorestan University



ادبیات پهلوانی، نشریه علمی دانشگاه لرستان

شاپا چاپی: ۲۷۸۳-۰۶۷۵ / شاپا الکترونیکی: ۲۷۸۳-۰۶۸۳

<https://heroic.lu.ac.ir>

سال دوم، شماره دوم، پیاپی سوم، پائیز و زمستان ۱۴۰۳

صفحات ۱۷۵-۱۸۸

## جستاری در هسته حماسه بهارات

اردشیر منظمی<sup>۱</sup>

۱- استادیار رشته ادیان دانشگاه لرستان [am14noor@yahoo.com](mailto:am14noor@yahoo.com)

اطلاعات مقاله	چکیده
<b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی	این مقاله در مجال مغتنم می‌کوشد با روش دین‌پژوهی و به شیوه توصیف و تحلیل، هسته حماسه بهارات را به بازگفت آورد. بی‌گمان طرح چنین مسئله‌ای نیاز به بررسی تحلیلی حماسه و نیز معرفی جایگاه متن مهابارات بزرگ‌ترین حماسه هندوان دارد. بررسی این متن بیانگر آن است که همچون حماسه‌های باستانی دیگر این خدایان و آدمیان هستند که در رزمی آشکار به نبرد برمی‌خیزند تا در جنگی تمام‌عیار که به‌گونه حماسه (دلوری و مردانگی در کارزار) انجام می‌گیرد؛ حقیقت را کشف یا اثبات کنند. گذشته از صورت پیدای حماسه که حکایت از جنگ با همه خشکی و خشونتش دارد؛ به‌زودی چهره پنهان آن نیز هویدا می‌شود. نبردی بی‌امان در شمایل بی‌باکی و از خودگذشتگی، از پی دفاع و برپایی از حقیقتی محتوم‌انجام، و با دستیابی به خودسازی و دیگرسازی فرجام می‌گیرد. در این نبرد، اهوراییان به یاری ایزدان، فرشتگان و اصولاً موجودات ماوراءالطبیعه در سلوکی عقلی و فعلی علیه اهریمنان تلاش می‌کنند تا به آرمان‌های ستوده و سپید (مقدس) دست یابند. از این‌رو می‌توان گفت این حماسه حکایت تلاش مردمان برای دستیابی به اخلاق و تقدس است. بهارات گزارش نبرد استراتژیک خدایان و آدمیان نیک‌خوی با دیوان و آدمیان بدخوی بر پایه ایدئولوژی هندوان است.
<b>کلیدواژه‌ها:</b> مهابارات، حماسه، جنگ، خدایان، دین، اخلاق.	

استاد: منظمی، اردشیر. (۱۴۰۳). جستاری در هسته حماسه بهارات / ادبیات پهلوانی. 2(2), 175-188.

doi: <http://doi.org/10.22034/heroic.2024.2.3.12>

ناشر: دانشگاه لرستان

© The Author(s)



## ۱. نگاهی به حماسه

حماسه، همچون جنگ، یک نبرد است. اما نبردی است که از سختی و شدت در جنگ و دلاوری و بهادری حکایت دارد (المعجم الوسيط، ۱۳۹۲ ه. ق، مقایس اللغه، ۱۴۲۹ ه. ق دهخدا، ۱۳۷۳).

جنگ به هدف پیروزی روی می‌دهد و همیشه این‌گونه نیست که بر قصدی راست و درست به انجام رسد؛ زیرا ممکن است هردو سوی رویارویی شر باشند و به نیتی نادرست، دست‌کم به آهنگ جهان‌گشایی و جهان‌گیری درگیر شوند. اما حماسهٔ رویارویی و نبرد خیر و شر است؛ زیرا هدف آن کشف و تحقق حقیقت است. نبردی برای رسیدن به آزادی، دستیابی به عدالت، نجات انسان‌ها، رهایی یک ملت یا کشور و ...

از این‌رو حماسه، نبرد خوب و بد، زشت و زیبا و همهٔ صفات نیک و پسندیده از یک سو با همهٔ خوی و خیم کژی و کاستی از سوی دیگر است. به‌گونه‌ای که کشف و تحقق حقیقت تبعات و تغییرات اخلاقی ویژهٔ خود را به افراد دارد. مجموعه‌ای از صفات، رزم را شکل می‌دهد و تغییرات دیگری در همین صفات را در پی خواهد داشت. صفاتی که تعیین‌کنندهٔ نبرد و سپاهیان آن است. بی‌راه نیست اگر بر پایهٔ چیستی و چگونگی چنین جنگی بگوییم: حماسه، نبرد اهورا و اهریمن است.

حماسه از جنس جنگ است، اما از سنخ آن نیست؛ چراکه در جنگ، خود جنگ هدف است همچون «الایام» عرب (ابن اثیر، ۱۳۷۴: ۵۸۲) همانند جنگ جهان‌گیرانی چون اسکندر، چنگیز و تیمور ... اگر قائل شویم که هدف و سیله را توجیه می‌کند، پس و سیله ماهیت هدف را نشان می‌دهد. از این‌رو اگر جنگ را یک هدف بدانیم که شمایل آن (تهاجم، خشونت، خون‌ریزی، ویرانی، کشتار، شکست ...) بیانگر ماهیت آن است و اگر وسیله بدانیم باز هم هویت زشت آن گویای هدف نابخردانه و ناپسند آن خواهد بود.

اما حماسه، خود هدف خود نیست، بلکه با دریافت از متن اسطوره‌ها، ادیان و به دست می‌آید که حماسه راهی است برای رسیدن به شرایط حاکمیت سنت جاویدان آسمان؛ یعنی صلح و عدالت که آورندهٔ خوبی و زیبایی است (نابینی، بهارات، ۱۳۴۰، ج ۱، ص ۶۵).

گرچه خود حماسه در مسیر تحقق خویش به دلیل ویژگی‌های نیک و زیبایی که در دل خویش دارد به‌نوعی از وجود مت‌شخص و مستقلی برخوردار بوده و عینیتی درخور توجه می‌یابد. اما این همه باعث انفکاک حماسه از حقیقت محتوم وابسته به آن نمی‌شود. بلکه این پیوستگی و وابستگی حماسه به هدف متعالی و مقدس است که حماسه را از جنگ جدا ساخته و شخصیتی پسندیده و ارزشمند بدان می‌بخشد.

حماسه یک نبرد مقدس است. نبرد صفات زیبا و خوب با صفات زشت و بد. نبرد اهورایی که در مسیر آن جنگاور و نه جنگ‌وجو از نظر انسانی و آسمانی پرداخته می‌شود؛ زیرا که حماسه نقطهٔ تلاقی جهاد اصغر و جهاد اکبر است.

شاید راز تمایز جدی حماسه از جنگ و برتری بی‌مانند آن همین به هم رسیدن دو جهاد اصغر و اکبر در یک کارزار باشد؛ زیرا برای نمونه از دیدگاه اسلام، جنگ‌ها حتی در بهترین فرجام خویش که برحق بوده و به انگیزهٔ دفاع از عدالت، پیروزی و فتح را در پی خواهند داشت؛ بازبخش کوچک جهاد را محقق ساخته‌اند. و رزمندگان هنوز بخش بزرگ نبرد را که خودسازی اخلاقی و دینی است؛ باقی دارند.

حماسه، رزمی بی‌پایان برای خودسازی خود است. رستم می‌رود تا از هفت‌خوان بگذرد و نفس خویش خوش بسازد. حر در حماسهٔ عاشورا می‌آید تا من را در قربانگاه تن، در مصاف ستم به داد دادار رسانده، طعم رستن از رذایل و رسیدن به فضایل را دریابد. نمونه‌هایی از این دست، همچون رستم، حر، ارجونا می‌کوشند تا

در فرایند تغییر در خویش که سفری معنایی و معنوی (سلوک) است؛ هسته یک حماسه بزرگ را سامان بخشند (برای نمونه: ناپنی، بهارات، ج ۱، ص ۴۷). در این معنا، آلفردنورث وایتهد فیلسوف انگلیسی در ست دریافته است که: «جهان صرفاً مشتمل است بر واقعه‌ها و روابط میان آن‌ها» (کریشنان، ۱۳۸۷: ۴۳۵).

حماسه به گونه‌ای پیوسته حالت صیوروت (شدن) و شیوه و ابزار آن را به نمایش درمی‌آورد. بازیگران این نمایشنامه همواره در شاهراه شدنی قرار می‌گیرند که حماسه خط آن را تعیین می‌کند. از این رو چنین رزمی انسان را در یک جهان پر از جنگ قرار می‌دهد تا نبرد حقیقی و سرنوشت‌ساز خویش و شیوه رزمیدن را بیاموزد. «نبرد خدایان» را بیاموزد، اما بر پایه یک الگو یک مدل. الگوی راستی و به تعبیر حضرت زرتشت «تنها یک راه درست است و آن، راستی است. دیگری‌ها همه بی‌راهه‌اند» (اوستا، گاهان، یسنا، بند ۳۲-۳۰).

حماسه در درون خود، تفسیر مداوم واقعیت‌هاست و مانند علوم، مبنایی تجربی نیز. اما مانند دانش تاریخ همیشه با واقعیت‌ها سروکار ندارد.

و درست در همین جا، حماسه و اسطوره با یکدیگر پیوند می‌خورند و حماسه بخشی از اسطوره می‌شود و نه تماماً تاریخ؛ زیرا اسطوره‌های راستین (و نه دروغین)، نسبتی عمیق با حقیقت دارند و بن‌مایه همه ادیان که حامل حقیقت‌اند، در مبنای بر پایه اسطوره است؛ از این رو تقریباً بسیاری از آنچه را که بشود برای اسطوره برشمرد؛ می‌توان برای حماسه به گفت آورد؛ زیرا حماسه از اسطوره وجود یافته است.

در چنین حالتی حماسه هرچه باشد؛ تاریخ نیست، از جنس اسطوره است؛ زیرا اگر تاریخ بود در خود تاریخ به‌عنوان یک واقعیت دفن می‌شد، اما خاصیت تکرارپذیری و الگوپردازی آن بسیار فراتر از آن است که به‌گونه یک رخداد در دل تاریخ توقف کند. گرچه حماسه مستقیماً با جنگیدن سروکار دارد، ابزار جنگی، راهبرد نبرد، ویژگی‌ها و روش‌های رزم ... چیزهایی که در یک حماسه پدیدار می‌شود. اما این همه نمود حماسه است نه نماد آن.

نماد حماسه، نبردی مقدس است که می‌کوشد در دل کارزار به حقیقت دست یابد. از این رو خود حماسه هدف نیست؛ زیرا که حماسه وجودی خودبسنده نیست، بلکه بر چیزی ورای خود اتکا دارد و باید برای شناخت آن به شیوه‌ای غیر از شیوه شناخت رخدادها، تجربی دست یازید.

نسبت شناخت حماسه و انسان، نسبت مدرک به مدرک است. نسبت روح به ماده یا به اصطلاح فلسفه هندوان «نسبت پوروشه prusha (روح) به پراکرتی prakrity (تن یا رفتار) است» (کریشنان، ۱۳۸۷، ص ۴۳۵).

در حماسه هندوان همچون دیگر حماسه‌ها، نوعی «وجودگرایی» یا اگریستانسیالیسم پیشرفته وجود دارد. نام نوینی بر یک روش کهن.

پیشینیان اندیشیده‌اند آنچه را که ما اکنون در بازیابی خویش می‌خواهیم به آن برسیم. این بازیابی و بازشناسی نفس چیزی است که «خودشناسی» و «خودسازی» می‌خوانیمش و بخش بزرگی از حماسه همین خودشناسی است. همانی که در فلسفه هندی آن را «آتمانام ویدی Atmanam viddhi (آگاه به روح)» (کریشنان، ۱۳۸۷، ص ۴۳۶) می‌خوانند.

این خودشناسی مقدمه‌ای برای خودسازی است. حماسه سیر حرکت از خود و شناخت قابلیت‌های فردی و ظرفیت‌های گیتی به سوی خودسازی، یعنی اتصال و اتحاد با ویژگی‌های مینوی است. از این رو در روند حماسه،

آدمی می‌آموزد که انسان برترین آرمان خویش نیست و باید از خود فراتر رفته و به «درویشی و بی‌خویشی» برسد؛ که شخصیت پهلوان این حالت درویشی را رقم می‌زند.

چه، اگر در «خود»، متوقف شود به دلیل تزاحم و تکاثف دنیا و ما فیها دچار رنج می‌شود. آنچه موجد ناامیدی است و ناامیدی انسان را از پای در خواهد آورد. از این رو به تعبیر رادها کریشنان «راه نجات انسان از اندوه و رنج‌آگاهی بر حقایق جاودانی است.» (کریشنان، ۱۳۸۷: ۴۳۸). چنین آگاهی و دانشی را می‌توان به نام «جنانا jenana (بیداری) در متون دینی و فلسفی هندوان (Jagannathan, 1984, P78) یا به نام بودهی Buddhi (به نور رسیده)» (Cush, 2008, vol.1, P124). در متون هندی و بودایی به دیده آورد. از این رو در حماسهٔ بهارات شاهد جریان سازی هردو طریقت جنانا و بودهی به روشنی هستیم (بهارات، ۱۳۴۰: ص ۱۲۸ تا ۱۳۴)

مارکس معتقد بود که: «انسان تنها هنگامی آزاد است که وجود خود را مدیون خویش باشد.» (کریشنان، ۱۳۸۷: ۴۳۸). این نوعی اومانیسیم Humanism (انسان‌گرایی) تند است که سرانجامی جز اگوسانتریسم Agocenterism (خودمحوری) نخواهد داشت. چنین برداشت و بینشی زمینه را برای نگرش‌های پسین آماده می‌کند «نیچه از زبان زردشت می‌گوید: اگر خدایان موجود باشند کیست که خدا نباشد؛ پس خدایی در میان نیست.» (کریشنان، ۱۳۸۷: ۴۳۸). در چنین شرایطی آدمیان چندان خویش را برتر می‌بینند که دیگر خدایی را والاتر از خویش نخواهند یافت. هرچه هست انسان است و دیگر هیچ. حال آنکه در متن حماسه‌ها از جمله حماسهٔ هندوان آدمیان به کمک خدایان (تجلی‌های خداوند یکتا) نخست، خط سومی را برمی‌گزینند که آن بیداری انسان از پیرامون و در پیرامون هستی خویش است (جنانا یوگا، Jnana yoga راه بیداری) آنگاه در پرتو چنین رفتار و حالتی به حقیقت دست می‌یابند. همانی که در متون بودایی به بودهی و در متون هندو به موکشه Muksha (رهایی و رسیدن) خوانده می‌شود.

بر این پایه خواهیم دید که در حماسهٔ هندوان میان سمسارا (با تلفظ درست تر سنساره) Samsarah یعنی پویش و موکشه به معنی رهایی و اساطیر بوداییان میان کرمه (با تلفظ درست تر کرمن) Karmah یعنی مجموعه‌ی رفتار یا کردار و نیروانا Nirvana به معنی فنا، توفیری محسوس و جدی قائل می‌شوند. از این رو حماسهٔ هندوان و به تعبیر دیگر، حماسه‌ها میان اصل حاکم بر عالم اشیا (واقعیت) و اصل متعالی‌تر (حقیقت) تفاوت می‌گذارند.

اکنون با این نگاه درمی‌یابیم که چرا برخی از پژوهشگران از دین هندو به‌عنوان «دین حماسی - پورانی» (فردهلم، ۱۳۸۵: ۱۷۲) یاد کرده‌اند. چرا که بخش عظیمی از باورها و ایده‌های پیروان این دین برگرفته از متون حماسی رامایانا و مهابهارات است، هرچند که متون دیگری همچون پوراناها که هم حامل اساطیر (بهار، ۱۳۸۵: ۱۹۱) و هم تفسیر بر اساطیر است؛ از کارکردی تقریباً نزدیک به متون حماسی برخوردارند.

برهمن حامل و ناقل دین است و کشاتریا (جنگجو) حامل و ناقل حماسه. به‌گونه‌ای می‌توان گفت طبقهٔ جنگجویان، اهل نبرد و آفرینش حماسه‌های رزمی (جهاد اصغر) و برهمن پیرو ریاضت و کشف و شهود (جهاد اکبر). اکنون اگر بپذیریم که مهاویرا و بودا بانیان ادیان ناستیکا Nastica (شایگان، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۰-۱۵) در هند بوده‌اند؛ که از نظر تاریخ هم این‌گونه است، این را نیز باید بپذیریم که از یک سو هردو از طبقهٔ کشاتریاها بوده و تعلق به طبقهٔ حماسی هند دارند و از دیگر سوی، به‌عنوان برهمن کیش‌های خویش تعریف شده و نقش

برهمایی نیز یافته‌اند. یعنی حماسه در هند باردار هر دو نوع نبرد (جهاد اصغر و جهاد اکبر) است. (برای نمونه: ابوالقاسمی، ۱۳۹۱: ۳۶).

بر این پایه خواهیم دید که در حماسه‌های هندی برهمن و کشاتریا در بسیاری شرایط یکی خواهند شد و این بدان معناست که حماسه در کیش هندوان تنها شرح دلاوری و تکاوری دلیر مردان پهنه نبرد نبوده و به شدت از رویکردی دینی و اخلاقی برخوردار است. بی‌راه نیست که حماسه بهارات دایرةالمعارف کیش هندوان است.

## ۲. دین‌نامه‌های هندوان

دین هندوان به گونه همه ادیان بزرگ و زنده دارای متون ایدئولوژیک و ادبیات دینی است که این نصوص نقشی کلیدی را در آن به عهده می‌گیرند تا جایی که هرگز نمی‌توان برای شناخت این ادیان متون آن‌ها را نادیده گرفت.

در یک دسته‌بندی محوریت ادیان نسبت به موضوع پایه، این‌گونه پدیدار خواهد شد.

۱- ادیان متن‌محور: همچون یهود، اسلام و زرتشت

۲- ادیان شخص‌محور: همچون بودا و مسیحیت

۳- ادیان آیین‌محور: همچون شینتو و تائو

گرچه به روشنی دین هندو را نمی‌توان مستقیم در یکی از این سه شکل منظور کرد، اما می‌شود با پژوهشی سریع به این نتیجه رسید که دین هندوان همه این اشکال را در خویش پذیرفته و بدان پرداخته است. اگرچه به دلیل ویژگی پولی‌تئیسم (polytheism = چندگانه‌پرستی و تعدد خدایان) و اهمیت و شمایل حضور و نفوذ خدایان این دین، چنین کیشی را باید «دین خدایان» دانست.

اصالت، قدمت، تعدد، تنوع، استحکام و راز و رمز ادبیات و متون هندو جایگاه ویژه و منحصر به فردی برای کتاب‌های دینی هندوان رقم می‌زند. تا جایی که هرگز نمی‌توان ژرفای معانی آموزه‌های آن را نادیده گرفت. نگاهی گذرا به متون هندوان گویای ویژگی ارزشمند آن خواهد بود.

«ایتی‌ها سا Itihasa در اصل iti-ha-asa یعنی این چنین بود» (آشتیانی، ۱۳۸۶: ۳۲). ایتی‌ها سا شرح تاریخ سنتی و حماسه‌های تاریخی-سنتی هندوستان است و از بهترین کتاب‌های این مجموعه می‌توان به دو کتاب مشهور اشارت برد.

۱- رامایانا Ramayana که حماسه خدای رام است.

۲- مهابهاراتا Mahabharata که حماسه ی دیگری از خدای کریشنا است.

و نکته ی آخر اینکه نویسندگان این کتب را به صورت عام، شعرایی می‌دانند به نام کلی ریشی Rishi که هندوان اینان را برتر از انسان‌ها و بلافاصله پس از خدایان قرار می‌دهند. آنان افرادی صاحب الهام و روشن بین و دانا بوده‌اند که به تدریج و در زمانهای گوناگون به سرودن این کتب و به ویژه وداها پرداخته‌اند و از ریشی‌ها از Rish یا Drish به مفهوم دیدن (آشتیانی، ۱۳۸۶، ص ۲۳) (شایگان، ۱۳۶۲، ص ۷۸) (CUSH، 2008، p470. v1) (jagannatan. 1984. p16-17)

البته دسته بندی دیگری برای وداها نیز آورده‌اند که قابل توجه بوده، از ظرافت و سهولت بیشتری برخوردار است.

«ودا، چهار کتاب است که هر ودا به دو گروه سامهیتا یعنی مجموعه‌ی سروده‌ها Mantras و براهمانا که تفسیر وداست؛ تقسیم بندی می‌شود.  
از سوی دیگر هر براهمانا به دو گروه آرنیاکا که مربوط به نیایش و مناجات و اوپانیشاد که مربوط به حکمت الهی و طریق معرفت به خداوند است؛ دسته بندی می‌شود» (شایگان، ۱۳۶۲، ص ۴۴)  
(jagannatan.1984.p17)

### ۳. جایگاه بهارات

متون دینی هندوان از دیدگاه تقدس یابی به دو دسته بخش می‌شوند.  
۱- «شروتی shruti به معنی آنچه شنیده می‌شود» (آشتیانی، ۱۳۸۶، ص ۱۸)  
این متون الهامی بوده و از جنبه‌ی ای فرا انسانی برخوردارند و در باور هندوان، چنین گزاره‌هایی سخنی از آسمان است که به گونه‌ی ای وحیانی به ریشی‌ها رسیده است.  
۲- «سمیرتی smirti به معنی خاطره‌ها و حافظه‌ها که احادیث، روایات و یا آثاری که مبدا انسانی داشته و قائم بر شروتی‌ها هستند» (jagannatan.1984.p17)  
بهارات منظومه‌ی حماسی که بزرگترین حماسه‌ی جهان و نه کهن‌ترین آن به زبان سانسکریت است که در دسته‌ی دوم متون دینی هندوان یعنی سمیرتی قرار می‌گیرد.  
مهابهارات Mahabharata کتابی تماماً به شعر و دارای تقریباً دویست و ده هزار مصرع (یعنی بیش از یکصد هزار بیت sloka است) (شایگان، ۱۳۶۲، ص ۲۳۶) (آشتیانی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۵) و به هیجده جزء بزرگ Parvan تقسیم و جزء نوزدهمی نیز به نام هاری‌وامشا harivamsa بدان الحاق کرده اند. (شایگان، ۱۳۶۲، ص ۲۳۷) که اساساً این کتاب را به همین هیجده جزء می‌شناسند.  
تنظیم این مجموعه به تدریج در حدود یکهزار سال به طول انجامیده است (۵۰۰ پیش از میلاد مسیح تا ۵۰۰ پس از میلاد) (آشتیانی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۵) (جلالی نایینی، ۱۳۵۸، ص ۳)  
بهارات کلان‌ترین مجموعه‌ی حماسی جهان است اما قدیمی‌ترین نیست. قدیمی‌ترین، حماسه‌ی رامایاناست که در این حماسه نیز خدایان و اهریمنان با یکدیگر درگیر می‌شوند.  
نام مهابهارات از دو بخش مها maha به معنی بزرگ و بهاراتا Bharata به معنی هند، گرفته شده است. علت نام‌گذاری این کتاب به چنین اسمی گذشته از آنکه «به‌بهارته Baharata نام جد بزرگ» (آشتیانی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۵) (ورونیکا، ۱۳۸۱، ص ۵۶) قبایلی در روزگار باستان بوده و این کتاب داستان نبرد مقدس میان دو خانواده‌ی اصیل هندی از خانواده‌ی خدایگان و خانواده‌ی اهریمن خوی را به گفت می‌آورد؛ به دلیل احتواء ماهیت این منظومه به سه ویژگی زیر است:

۱- عالی بودن و ارزندگی مطالب mahattatva

۲- وقار و متانت مطلب bharavattva

۳- صفت هندی بودن مطلب bharatatva (شایگان، ۱۳۶۲، ص ۲۳۷)

نویسنده‌ی این منظومه‌ی حماسی برپایه‌ی داستانها و روایات هندوان، کریشنا دوی پاین Krishna Dvaipayana فرزند پاراشرا Parasra است که به دلیل ترتیب دادن وداها، «بیاس» (ویاسا Vyasa) به معنی ترتیب دهنده (جلالی نایینی، ۱۳۴۰، ص ۱۰۳) لقب گرفته و در روزگار باستانی هندوستان می‌زیسته

و خود نیز حکیمی اسطوره ای است. (البته نام بهارات و سیر تطور نامهای این کتاب و تعداد ابیات و نویسندگان آن، داستانی مفصل تر دارد که شایسته ی این مجال نیست)

موضوع بهارات شرحی به صورت شعر از حماسه ای بزرگ است که در حقیقت وقوع جنگی بر سر به دست آوردن امتیاز پادشاهی که توسط یکی از خانواده های شاهی (مهراجا) باستانی هندوستان به تراج رفته است را گزارش می کند.

دست کم در هزاره ی نخست تا نیمه ی دوم هزاره ی دوم پیش از میلاد دو خانواده ی پادشاهی بزرگ از قبایل بهاراتا به نامهای کوروها Kurus با نام اصلی کوراوا kaurava و پاندوها Pandus با نام اصلی پانداوا Pandava در نبردی سخت و سنگین که برای هیجده روز ادامه یافته و شامل حمله های گوناگون است؛ با یکدیگر درگیر می شوند.

این کتاب آنچنان از تنوع و تکثر مطالب اعتقادی، آیینی، داستانی، اسطوره ای و البته وجه غالب حماسی برخوردار است که می توان آنرا «دایره المعارف هندو» (jagannatan. 1984. p17) دانست که حتی نحوه ی شکل گیری آن در طول تاریخی طولانی دلیلی بر اشتغال زمانی و جغرافیایی مطالب آن نیز هست.

البته با این درجه از اهمیت هنوز بر این حقیر پوشیده است که چرا چنین کتاب پراهمیتی در دیدگان بوریحان بیرونی دانشمند بزرگ هندشناس ایرانی چندان ارجی نیافته و «گزارشی از آن به دست نمی دهد». (جلالی نایینی، ۱۳۵۹، بهارات، ص ۴)

و حتی با اینکه بهارات از شاکله ی مطالب فلسفی قابل توجهی برخوردار بوده به گونه ای که فصلهای دوازده و سیزده آن مطالب فلسفی و منطقی را داراست؛ اما باز توجه بیرونی را به سوی خود جلب نکرده است. درباره ی اهمیت این کتاب گفته شده که: «خدایان در یک کفه ی ترازو کتاب بهارات و در کفه ی دیگر، وداها را قرار داده اند». (جلالی نایینی، ۱۳۵۹، بهارات، ص سه)

و یا در سنت هندوان می توان به این جمله دست یافت که «هر آنچه در این کتاب است در جای دیگر نیز تواند بود. اما هر آنچه در این کتاب نیست در هیچ جا یافت نمی شود». (شایگان، ۱۳۶۲، ص ۲۳۷)

کتاب بهارات آنچنان در کانون توجه پیروان دین هندو از عام و خاص قرار دارد که رساله ی ششم این حماسه، بهاگوادگیتا bhagavadgita (به معنی سرود خوانده شده) (بهار، ۱۳۸۵، ص ۱۹۷). نام دارد که «احتمالاً سده ی پنجم تا چهارم پیش از میلاد» (آشتیانی، ۱۳۸۶، ص ۳۲) سروده شده است.

در اهمیت این کتاب نیز که برگرفته از حماسه ی مهابهارات است؛ بسیار از قول دانشمندان هندی و اروپایی گفته اند از جمله «زیباترین سروده ی فلسفی جهان... بهترین اثر مذهبی هند... موثرترین کتاب دینی هندوان...» (شایگان، ۱۳۶۲، ص ۲۸۵)

با اینکه گیتا نیز همچون بهارات جزء نوشته های منزل (وحیانی)، شروتی نبوده و در دسته ی احادیث (سمیرتی) دسته بندی می شود، اما به خاطر زیبایی، عمق و اهمیتش در میان هندوان و نیز بسیاری از دانشمندان اروپایی، از جایگاه بسیار بلندی برخوردار بوده همچون شروتی ها با آن برخورد می شود.

«گیتا به عنوان سرود و آواز و بهاگوات را به معنای صاحب دولت جلال مقدس و را به معنای صاحب دولت جلال مقدس و محترم» (آشتیانی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۵) نیز دانسته اند. از این رو نام این کتاب را به معنای سرود خدایان یا نغمه ی الهی ترجمه کرده اند.

بیشتر این سروده‌ها گفتگوی خدای بسیار محبوب هندوها (کریشنا) با ارجونا شاهزاده‌ی هندی است که در میانه‌ی این گفتگوها دستورات و نظرات خداوند ارائه می‌شود. محتوای کتاب گیتا همچون مابقی کتاب بهارات، فلسفه، اخلاق، اسطوره، داستان، تمثیل، ادب، دین، احکام، قربانی، آیین، نفوذ خدایان، اساطیر، افسانه‌های بدوی، جامعه‌ی طبقاتی، رزم و آداب آن، حماسه، بندگی و بردگی، سحر و جادو، کاهن و ساحره..... بوده؛ «و حتی در مراحل، تشکیلات سیاسی، مذهبی و تاریخ داستانی قوم آریایی در هند را نمایان می‌سازد». (جلالی نایینی، ۱۳۵۹، بهارات، ص ۱۹)

مهابهارات و به طبع آن گیتا، اسرار ۱۰۸ اوپانی‌شاد هندی را نیز که دارا شکوه ۵۰ عدد آن را به فارسی ترجمه کرده؛ فاش می‌کند. «گیتا را با آن گاو همی‌شه شیرده یعنی اوپانی‌شادها مقایسه می‌کنند. در چنین صورتی ارجونا گوساله‌ی آن است. کریشنا دوشنده‌ی شیر است که روح و جوهر اوپانی‌شاد را در گفتگو با خود با ارجونا بیان می‌کند». (جلالی نایینی، ۱۳۴۰، ص ۱۱۶)

و نکته‌ی دیگر آنکه با توجه به شاکله‌ی عظیم حماسی مهابهارات و نیز اشمال آن بر اخلاق حماسی می‌توان این کتاب را «شاهنامه هندوان» نامید.

#### ۴. حماسهٔ بهارات

هسته‌ی حماسی مهابهارات بر پایه‌ی یک واقعه‌ی تاریخی که به پنداشت پژوهشگران «در هزاره‌ی نخست پیش از میلاد مسیح» (شایگان، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۳۸) باید رخ داده باشد؛ قرار دارد. این رخداد که ردپایی نیز در کتاب یاجورودا (یکی از ودهای چهارگانه) دارد دستمایه‌ی سراییدن اشعاری شد که به بهانه‌ی چنین رزمی دایره‌المعارفی از اعتقاد هندوها را به وجود آورد؛ که خود به اعتقادنامه‌ی هندوان مبدل گشت. داستان این نبردنامه‌ی بزرگ جهان چنین آغاز می‌شود که: تخت و تاج خانواده‌ی پادشاهی کوروها که مقر حکومت آن شهر هاستی ناپو را Hastina pura بود به دری تاراشترا dhrtashtra رسید. اما چون وی نابینا بود، ناگزیر برادر کوچک او پاندو زمام شهریاری را به دست گرفت.

پاندو نیز از پادشاهی دست کشیده به همراه دو همسرش به خلوتگاهی در کوه هیمالایا رفته و در آنجا معتکف شد و برادر نابینای خود را بر پادشاهی گماشت.

پس از درگذشت پاندو، پنج پسر او یعنی یودیشتری را Yudhishtira، بهیما Bhima، ارجونا Arjuna، ناکولا Nakula و ساها دوا Sahadeva که کودک بودند به شهرهاستی ناپورا فرستاده تا به پشتیبانی عمومی تاجدارشان فنون و آداب جنگ را بیاموزند.

دری تاراشترا یکصد پسر داشت که فرزند بزرگش دوریودانا Duryodhana بود. پسر بزرگش پاندو یعنی یودیشتری را چون به سن بلوغ رسید، او را جانشین دری تاراشترا دانستند ولی فرزندان دری تاراشترا به او رشک برده، آهنگ کشتن او را کردند. پنج برادر که از دسیسه‌ها جان سالم به در برده بودند، این سرزمین را رها کرده به دربار پادشاه پانچالا پناه بردند.

ارجونا که در تیراندازی بسیار چیره دست بوده و کمان تسخیرناپذیر پانچالاها را خم کرده و در مسابقه‌ی تیراندازی برتر از همه شده بود در مراسم همسرگزینی Svayamvara شرکت و دروپردی دختر پادشاه پانچالا را به دست آورد. دروپردی برای جلوگیری از اختلاف، هر پنج برادر را به همسری برگزید. در این مسابقه، ارجونا با کریشنا قهرمان طایفه‌ی یاداوا آشنا شده، با او بسیار دوست شد.

پس از چندی، دریتارا شترا برادرزادگان را به دربار خوانده؛ خود را از پادشاهی برکنار و کشور پهناورش را میان فرزندان و برادرزادگانش تقسیم کرد.

پنج برادر (پسران پاندو) در محلی به نام ایندرا پراستانا Indraprasthana نزدیک دهلی، پایتخت بزرگی ساختند اما پسران دری تاراشترا از راه رشک و کین در یک دسیسه در بازی نرد، قماری به راه انداخته و تمام هستی و دارایی و شهریاری و همسر فرزندان پاندو را ستاندند. اما با این حال طرفین تدبیری اندیشیده پسران پاندو به همراه همسر مشترکشان به مدت سیزده سال تبعید و گمنام زندگی کنند و پس از این زمان به پادشاهی خود برسند.

پس از زمان مقرر پنج برادر پیکری به دوریودانا پسر ارشد دری تاراشترا فرستادند و حق خود را خواستند. اما او پاسخی نداده به قولش وفا نکرد. پسران پاندو سپاهیانی آراسته و آماده ی کارزار شدند. دوریودانا نیز سپاهی آراست.

داستان بهارات نشان می دهد که تمام شاهان یونان، بلخ و چین نیز به یکی از این دو لشکر پیوستند. دو سپاه در میدان کورو Kuruksetra روبروی هم ایستادند.

نبرد پس از هیجده روز با کشته شدن همه ی دلاوران و پهلوانان هر دو دسته و زنده ماندن پنج برادر و کریشنا با پیروزی فرزندان پاندو به پایان رسید. یودیشتی را تاج بر سر گذاشت و به یاری چهار برادر پادشاهی دادگسترانه ای را بر پا نمود. (شایگان، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۴-۲۳۸) - (فرد هلم، ۱۳۸۵، ص ۱۷۵) - (آشتیانی، ۱۳۸۶، ص ۹-۲۲۷) (ورونیکا، ۱۳۸۱، ص ۵۶) (jagannatan.1984.p17) (cush.2008.v1.p469)

## ۵. نبرد خدایان

با اینکه نبرد خدایان این داستان با جنگ آغاز می شود اما به حماسه انجام و با دستیابی و حاکمیت حق به فرجام می رسد.

گذشته از برخی موارد اخلاقی ناپسند در خلال حماسه ی بهارات، همچون همسری مشترک پنج نفر و قمار بازی، این داستان مشحون از نکات ارزنده ی اخلاقی و پیشنهاد های آسمانی برای بهتر زیستن و دفاع و حاکمیت حقیقت است. تا آنجا که نگاهی به ابر ستاره های (سوپر استار) این رزمنامه و کارها و رفتارها و گفتارها ی آنها نشان از نزول حقایق آسمانی دارد.

به سخن دیگر سراینده ی بهارات می کوشد در قالب هنر به شیوه ادبیات متنی و به گونه ی شعر، احساسات و هیجانات ذهنی و قلبی را تحریک و در کانون واژگان، فضای مورد پذیرشی را برای خواننده فراهم آورد تا در آن، با برانگیختن حس حماسی، روحیه ی سلحشوری مردمان را افزایش دهد.

حماسه ای که پیشتر از منظر تاریخ و البته نه بدین تفصیل رخ داده و پس از این هم به گونه ای دیگر روی خواهد داد. آنگاه در پناه چنین موقعیتی برترین نوع نبرد را به آدمیان بیاموزد. زیرا انسان با قرار گرفتن در شرایط پس از روزگار زرین Golden age و به تعبیر هندوان Kyta yuga، خود به خود و حتی بی آنکه خود بخواهد؛ به دلیل تزامم این جهان ناگزیر از رویارویی با پدیده ای به نام جنگ خواهد بود. به گونه ای که دریابد جنگ در جهان یک «واقعیه» نیست. بلکه یک «واقعیت» است. پس باید آماده شده و برای آن قانون و اخلاق داشت.

انسان به زودی دریافت که شاکله‌ی شکل‌گیری جهان بر پایه‌ی تضاد است. تضادی منطقی و سازنده که مقدرات عالم را رقم می‌زند. نور و تاریکی، روز و شب، سپید و سیاه، زشت و زیبا، پنهان و پیدا و ... این تضاد هرگونه که ریشه‌یابی شود، نمی‌تواند وجود نیروی شر را نادیده انگاشته، اهمیت و ارزش شر را نپذیرد. چرا که در یک تضاد دیالکتیک، از نوع غربی (یونانی) یا شرقی (هندی) که باشد؛ نور زمانی معنا می‌یابد که تاریکی باشد. سپیدی آنگاه ارزش دارد که سیاهی باشد. و بر این پایه می‌توان رویدادهای آفرینش را از همان ابتدا به سنجش آورد. ایزدان و دیوان، هورا و اهریمن، سپننه مئی نو و انگره مئی نو، ایندرا و اسوراها، بودا و مایا، کرشینا و کالی، وشینو و بودا (به پنداشت هندوان)، یانگ و یین، آنیما و آنیموس، پرومیتوس و آپتی متیوس، تئوس و تیتان، آدم و شیطان و .....

در اسطوره‌ها (قصص و نه افسانه) آدمیان در فرازی برتر اما فروتر از خدایان، هم دانایی آفرینش نیک را دارند و هم توانایی بر آوردن بد را. چنین توانمندی قطعاً از انسان این (نیمه خدا) می‌تواند موجودی بسیار خطرناک بسازد، که اگر بر راه حقیقت گام نهد؛ کیان هستی را بر باد خواهد داد. هم از این رو، نیرو و تجسم شر ماموریت می‌یابد؛ تا با آزمودن انسان صلاحیت او را بر تثبیت حق آشکار سازد. اهریمن، انسان را درگیر شر و خو گرفتن از آن می‌کند، تا خیر را درک کند. اما انسان فارغ از این بازی خدایان lila (چیزی معادل مکر الهی در اسلام) سرگرم شر و شیطان شده از ماموریت تجلی نور خویش برکنار می‌ماند.

در چنین شرایطی زمان مهیای ظهور و تجسم حق در هستی (ظهور اواتارها Avatars) گردیده و خدای ویشنو به اواتارهای گوناگون همچون رام، کریشنا، بودا، کالکی و نیز در قالب اواتارهای حیوانی همچون ماهی، لاک پشت، گراز و ناراسیمها Nara-simha (موجودی نیمه انسانی و نیمه حیوانی (شیر)) ظهوری زمینی می‌یابد؛ تا سویی‌ی پویش و حرکت آدمیان به سوی حق و خیر را به سامان آورد.

و بهارات شرح اواتار ویشنو در مقامی نزدیک به خلافت انسان یعنی در شمایل ایزد مرد کریشنا است تا در یک راهبرد رزمی (به تعبیر یونانیان، استراتژی) از انسان همه‌ی اء صار، رزمنده‌ی بسازد؛ که نبرد با دیوان و اهریمنان را آموخته و خود، خدایگانی (خداگونه) شود.

بی‌راه نیست که مهابهارات در دسته بندی متون حماسی در دین هندو جزء متون حماسه‌ای (ایتی هاسا) itihasa (یعنی چنین بود در آغاز) دسته بندی می‌شود، که عملاً شأن بهارات از یک حماسه‌ی معمولی فراتر رفته و نقش یک دایره المعارف کامل دینی و البته مقدس را برعهده می‌گیرد، که به نوعی سروده‌ی خدایان است. در صورتیکه حماسه‌ی رامایانا یا همه‌ی تقدس، احترام و نفوذ خویش، هرگز دارای شأنی مهم تر از بهارات نبوده و «جزء متون کاویا Kavya افسانه‌های ساختگی» (شایگان، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۳۶) به حساب می‌آید.

و البته لازم به ذکر است که این تصنعی و ساختگی بودن هرگز به معنای دروغین و بی پایه بودن نیست بلکه به معنای برخورداری متن رامایانا از نثری مصنوع و متکلف است که به وسیله‌ی نفوس پیراسته‌ی انسانی سروده شده و مقدس است. در صورتیکه متون ایتی‌ها سا افسانه‌های سروده شده‌ی آسمانی و فرا انسانی است.

اما آنچه تراز معنایی بهارات را بسیار بالا می‌برد، وجود گزاره‌های دینی و اخلاقی مقدس و فراوان در لابه لای فنون و راهبرد رزم در عین دلآوری و تهو است. در ست همان چیزی که جنگ را و برودت معنایی آن را

به حماسه و حرارت معنوی آن تبدیل می‌کند. از این رو در این کتاب با قواعد و فرمولهای اخلاقی روبه‌رو هستیم که در گستره‌ای از آفرینش (برهمن Brahman اصل آفرینندگی در هستی) تا نخستین مرحله‌ی رهایی (جیوان موکتی jivan mukti) و نهایتاً رستگاری (موکشا Moksha) در بهشت (سوارگا Svarga) را در پیش روی انسان پیشنهاد داده و الگوسازی می‌کند. در این داستان ارجونا یکی از ابرستاره‌ها و ابرالگوهای ارائه شده معرفی می‌شود که به وسیله‌ی راهنمایی‌ها و دستورات ویشنو که اکنون در قالب کریشنا خود را به او نشان داده؛ آموزش داده می‌شود.

از این رو هندوان با الگوگیری از شخصیتی همچون ارجونا که از یک سو متعلق به طبقه‌ی دوم برتر کاست هندو، یعنی کشاتریا (جنگجو) است و از سوی دیگر با تربیت کریشنا موجودی برتر از طبقه‌ی خویش نیز می‌شود.

به گونه‌ای که لایق رفتن به کوهستان متعالی «مرو Meru» و پس از آن سوارگا (بهشت) می‌گردد، (ورونیکا، ۱۳۸۱، ص ۵۶). در این حال او یک برهمن خواهد بود، زیرا که مظهری از خدای ایندرا شده است.

هندوان خدایان بسیاری را بندگی کرده‌اند. خدایان در کتب مقدس ودا بسیارند. از دیاوس Dyavs (این واژه با ریشه‌ی دیو Div سانسکریت و دیس Dis لاتین خویشاوندی دارد. دیاوس پیتا Dyauspita ی هندوها و ژئوس پاتر Zeuspater یونانی‌ها و ژوپیتر Jupiter رومی‌ها و تیرزیو Tyrzio طوائف ژرمانیک خویشاوندی دارد.) (شایگان ۱۳۶۲، ج ۱ ص ۵۶)، از کهن‌ترین خدایان هندواروپایی، زمین prithivi، میترا (از ریشه‌ی می mei به معنی پیمان بستن و پساوند ابزاری tra) (شایگان، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۹)، اسورا (که داستانی جالب دارد و با بحث اهورا پیوند می‌یابد)، وارونا، ایندرا، آگنی، پراجاپاتی و حتی خدایان گروهی همچون آدی تیاها Adityas، رودراها Rudras، واسوها Vasus گرفته تا برسد به خدایانی همچون برهما، ویشنو، شیوا و کریشنا. اما در میان شمار بی‌پایان خدایان هندو بر سی و سه خدا بیشتر تأکید می‌شود که بیشتر در سه دسته دسته‌بندی شده‌اند.

«هشت واسو Vasu»

یازده رودرا Rudra

دوازده آدی تیا Adhitia» (جلالی نائینی، ۱۳۴۰، س‌راکبر، ص ۵۲۱) (شایگان، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۷۲). این سه دسته به اضافه‌ی خدای ایندرا Endra و پراجاپاتی Prajapati جمع سی و سه گانه‌ای را تشکیل می‌دهند. همه‌ی این سه خدا در خلال داستان‌های مفصل بهارات حضور داشته و هر یک بر پایه‌ی کارایی خویش مأموریتی یافته و کاربردی ویژه دارند.

در متون هندوان تصریح شده است که این سی و سه ایزد، خدایان اصلی و مابقی خدایان که قابل شمارش نیستند از تجلیات اینان‌اند.

واسو به معنی نعمت و فراوانی، خدایان طبیعی همچون آتش، خاک، باد، هوا، آسمان، ماه، خورشید و ستارگان هستند. اساس داستان بهارات در جغرافیای موجودات طبیعی و در میان مظاهر طبیعت که نقش خدایان را بر عهده دارند؛ پی‌ریزی می‌گردد.

رودرا از ریشه‌ی رود rud به معنی گریستن مشتق و در نهایت، رودرا به معنی بانگ برآوردن تعبیر شده است. (شایگان، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۷۳)

اینان خدایان میان آسمان و زمین اند اما نه به عنوان مظاهر طبیعت که اصولاً در متون دینی هندوان (اوپانیشاد) «آنها را با حواس ده گانه و نفس که حس باطن است» (شایگان، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۷۴) منطبق نموده اند.

آنگونه که از خود بهارات نیز برمی آید؛ رودراها نماینده ی همان صفات پهلوانی و سلحشوری کاست دوم و برتر هندوستان یعنی کشاتریاها بوده و اغلب دوشادوش ایندرا به جنگ و ستیز با نیروی شر (برخاسته از کالی (شیطان) و مایا (توهم، دنیا) به گونه ای توأمان) برمی خیزند. بی راه نیست که ارجونا خود نیز «نسبتی با ایندرا داشته و برخوردار از پشتیبانی و مراقبت او نیز هست» (جلالی نائینی، ۱۳۴۰، سّراکبرص ۵۲۱).

آدی تیا به معنای «عدم بند و پیوست» (شایگان، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۷۵) خدایان آسمان اند، که درخشان، بی گناه، پاک و گرداننده ی ریتا، نظم جهانی هستند. از میان این دسته می توان به میترا، وارونا و بهاگا (که خود این بهاگا «با واژه ی بگ که از صفات اهورا مزداست» پیوند دارد. (شایگان، ۱۳۶۲، ص ۷۶) اشارت برد که خدایان شناخته شده ای در ودا نیز هستند.

با پژوهشی در بهارات می توان وجوه تمثیلی این حماسه ی بزرگ را از طریق تطبیق کارکرد خدایان نامبرده با شخصیت های داستان روشن نمود.

برای نمونه جنگ میان حق dharma و ناحق adhama در گو شه گو شه ی بهارات به دیده می آید. خود دهارما (که تلفظ درست آن درمه است) که در اصل، یکی از خدایان است به پنداشت بسیاری از پژوهشگران (Cush, 2008.V1.p 470) به عنوان برادر بزرگتر ارجونا یعنی یودیشتی را ظاهر می شود و یا خود ارجونا مظهر خدای ایندرا در این نبرد خواهد بود. و برادران دیگر نیز که هر یک مظهری از یک خدای برتر هستند؛ به همینگونه عمل خواهند کرد.

این البته بدان معنا نیست که این خدایان در قالب این پنج برادر تجسد یافته اند بلکه این برادران هستند که در خلال ارائه ی «شخصیتی انسانی از خویش نقش خدایان» (Jagannathan.1984,P70) را به دوش گرفته و در کارزار با سپاه شیطانی و نیروی شر می جنگند، تا از این طریق نه تنها سپاه شیطان را شکست داده حق خویش بستانند بلکه در این راه نفس خویش را نیز پالایش کرده و شایستگی اخلاقی لازم برای زیستن در طبقه ی سلحشوران (کشاتریا) و پادشاهان (راجا) را بیابند.

## ۶. سخن پایانی

دین هندوان را می توان به دلیل حضور، کثرت و کارایی خدایگان، «دین خدایان» خواند. اینان نیز همانند خدایان دیگر ادیان «چند خدایی»، دچار زندگی انسانی و فراز و فرود دنیای زشت و زیبا می شوند. به دنیا می آیند، بزرگ می شوند از دواج می کنند، عشق و کین می ورزند، جنگ و صلح را تجربه می کنند و کمتر، می میرند.

اما خدایان هندو گذشته از ویژگی های «خدا-انسان انگارانه» خویش از ویژگی های فرا انسانی و آسمانی نیز برخوردارند که آنها را در حریم قدس و قدوسیت قرار می دهد؛ آنچه که دین هندوان را از (شرک) پیشرفته ی (جایگاه خدایان) یونان و روم جدا می کند.

داستانهای دین هندوان لبریز از وجود خدایان است اما سرشار از معانی دقیق و عمیقی است که گاه پیچیدگی های ژرفی، باز فهمی آنها را بسیار سنگین می سازد. در ژرفای داستان های دبستان هندوان وجود اسطوره، حماسه، تقدس، اخلاق، خدا، معنا، عرفان و ریاضت ... چندان موج می زند که داستان های دینی دیگر مردم جهان کمتر طعم معنا شناسی پر عمق و پر اوج اسطوره های اینان را دارد.

متون دینی هندوان ترکیبی معنادار از اسطوره و حماسه است و انسان، برگزیده ای که باید به کمک خدایان در بیابان «عرفات نفس» در رزمی حماسی پیوسته دژخویی و دژخیمی از خویش باز ستانده؛ رهایی از دنیای دون را بیازماید.

از این رو هندوان در بزرگترین رزمنامه ی جهان یعنی بهارات چگونگی نبرد مردمان با آدمیان دیو خوی را به مدد خدایان می آموزند راز این چگونگی در تخلق کنش کیشی است.

بهارات نه کهن ترین اما طولانی ترین دفتر حماسی جهان با بیش از یکصد هزار بیت است که در قالب داستان یک جنگ، به خوبی نبرد خیر و شر را به نمایش در می آورد تا در خلال آن آموزه های آسمانی و انسانی را به وسیله ی آواتارهای (تجسم حق در هستی) خدایان به انسان منتقل کند.

ابر ستاره های (سوپر استار) این داستان، خدایان و آدمیان هستند. خدایانی که چندان برای انسان و دستگیری و راهبری او به سوی کشف حقیقت ارزش قائل اند که از آسمان هبوط کرده در قالب انسان تجسم و تجسد یافته و راه خود سازی و دیگر سازی را به او یاد می دهند.

و انسان، موجودی آنچنان با ارزش که همنشین خدایان شده، خود خدایگانی می شود تا در زمین خلیفه ی آسمان باشد.

بهارات، داستان پیراستن جهان از «شر» و آراستن آن به «خیر» است.

کریشنا از بزرگ ترین خدایان هندوان در جسم یک ارابه ران، متجسد می شود تا شاهزاده ای را در نبردی مقدس به سوی کسب و اثبات حقیقت یاری دهد. نبردی که به بزرگی حماسه، پهنای زمین و کوتاهی زمان است.

و از آن سوی ارجونا شاهزاده ی هندی که می کوشد با دوستی و همنشینی با خدا، خود سازی پیشه کرده در تمایز آشکار دو گروه نیک و بد جهان خلافت را از بیداد بدان دور بدارد.

بهارات، آموزش حماسی رزم خدایان و آدمیان برای رهایی و رستگاری انسان از بیداد، ستم، رنج و اندوه به طریق دو گونه نبرد یعنی جهاد اصغر و جهاد اکبر است.

## منابع

- ۱- آشتیانی، (جلال الدین آشتیانی)، (۱۳۸۶)، عرفان (بخش وداها و بخش ودانتا)، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۲- ابن اثیر، (عزالدین)، (۱۳۷۴)، تاریخ کامل، دکتر سیدمحمدحسین روحانی، چاپ دوم، تهران، انتشارات اساطیر.
- ۳- بهار، (مهرداد)، (۱۳۸۵)، ادیان آسیایی، چاپ اول، تهران، نشر چشمه.

- ۴- دارا شکوه، (محمد)، (۱۳۴۰)، سر اکبر (اوپانیو شاد)، دکتر تاراچند و سیدمحمد رضا جلالی نائینی، چاپ نخست، تهران، چاپ تابان.
- ۵- دهخدا، (علی اکبر)، (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، چاپ نخست، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- شایگان، (داریوش)، (۱۳۶۲)، ادیان و مکتب های فلسفی هند، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۷- کریشنان، (سرو پالی رادها)، (۱۳۸۷)، تاریخ فلسفه شرق و غرب، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- ۸- فردهلم، (هاردی)، (۱۳۸۵)، ادیان آسیا، عبدالرحیم گواهی، چاپ سوم، تهران، دفتر نشر فرهنگی اسلامی.
- ۹- قزوینی، (میر غیاث الدین علی)، (۱۳۵۹)، بهارات، سیدمحمد رضا جلالی نائینی، چاپ نخست، تهران، کتابخانه ی طهوری.
- ۱۰- ورونیکا، (ایونس)، (۱۳۸۱)، اساطیر هند، باجلان فرخی، چاپ دوم، تهران، انتشارات اساطیر.
- ۱۱- ابن فارس زکریا، (ابوالحسن احمد)، (۱۴۲۹ ه ق)، مقایسه اللغه، الطبعة الأولى، بیروت، لبنان، دارالاحیاء التراث العربی.
- ۱۲- أنیس، (الدكتور ابراهیم)، ( ۱۳۹۲ ه ق)، المعجم الوسیط، الطبعة الثانية، استانبول، ترکیا، المكتبة الاسلامیه.

13- cush,(Denis),(2008),Encyclopedia of hindvism. London, Routled ltd.

14- agannathan, (shakunthala), (1984), Hinduism an Introduction, mumbi. Feffer ltd.